

اثر کارآمدی یارانه کالاهای اساسی بر توزیع درآمد: مطالعه موردی استان همدان

حمید سپهر دوست

دکترای اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا

Hamidbasu1340@gmail.com

بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی عموم مردم و به‌ویژه اقشار کم درآمد، ضروری و غیر قابل انکار است، به‌ویژه آنکه فشار اقتصادی ناشی از تورم، نوسانات موجود در بازار ارز و افزایش قیمت حامل‌های انرژی طی سال‌های گذشته باعث شده که فاصله طبقاتی بین اقشار درآمدی جامعه تا حدودی افزایش یابد و صاحبان درآمدهای پایین با مشکل تأمین هزینه‌های معیشتی روبرو شوند. در این راستا حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه از جمله مباحثی است که دولت را مجاز به دخالت در امور اقتصادی خانوارها و تعدیل قدرت پرداخت آنها می‌کند. به‌طوری که از دیدگاه عدالت اقتصادی، تأمین حداقل خواسته‌ها و نیازهای اساسی جهت تأمین استقلال اقتصادی و ریشه کن کردن فقر و محرومیت بر اساس اصل چهل و سوم قانون اساسی از وظایف دولت شناخته شده است. برای این منظور در برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور بر روی ارائه طرح ساماندهی اقتصادی و پرداخت یارانه کالاهای اساسی و مواد غذایی که بخش قابل توجهی از هزینه مصرفی خانوارهای کم درآمد را تشکیل می‌دهد تأکید شده است. بر اساس تحلیل اکثر اقتصاددانان، در حال حاضر اقشار وسیعی از خانوارها در

چکیده

هدف از مطالعه حاضر، بررسی اثر کارآمدی مربوط به اجرای سیاست‌های حمایتی دولت و پرداخت یارانه کالاهای اساسی بر توزیع درآمد در بین دهک‌های درآمدی استان همدان طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۹ است. در این بررسی از داده‌های سری زمانی مربوط به آمار هزینه - درآمد استان طی سال‌های مورد نظر و به کارگیری روش حداقل مربعات معمولی (OLS) جهت تخمین مدل اندازه‌گیری استفاده شد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که دو متغیر یارانه کالاهای اساسی و نرخ اشتغال، از اثرات مثبت و معنی‌داری بر روی بهبود توزیع درآمد در استان همدان طی دوره مورد مطالعه برخوردار بوده و متغیرهای نرخ تورم و مالیات مستقیم تأثیر نامناسب بر روند توزیع درآمد استان داشته‌اند.

مقدمه

امروزه اجرای سیاست‌های حمایتی توسط دولت به منظور

کشور با فقر اقتصادی مواجه بوده و جای هیچ‌گونه تردیدی در جهت تجهیز و کارتر نمودن نظام حمایتی از آنها بر جای نمانده است. لذا موضوع اجرای صحیح طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و ارائه کالاهای اساسی به خصوص برای اقشار آسیب پذیر جامعه از اهمیت خاصی در سیاست‌های کلان اقتصادی برخوردار است.

لازم به ذکر است که اصطلاح یارانه به هرگونه پرداخت انتقالی از محل خزانه دولت گفته می‌شود که به صورت نقدی یا کالایی به خانوارها و تولیدکنندگان کالا و خدمات به منظور حمایت از اقشار کم درآمد و بهبود توزیع درآمد تعلق می‌گیرد. در واقع پرداخت یارانه یک ابزار اقتصادی در جهت تخصیص بهینه منابع کمیاب، تثبیت قیمت‌ها، توزیع بهتر درآمد و کاهش شکاف گروه‌های درآمدی و به طور کلی یک نوع سیاست حمایتی مناسب می‌باشد. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به مواردی نظیر حمایت از گروه معینی از مصرف‌کنندگان به منظور جهت دهی آنها به سمت مصرف یک کالا یا خدمت خاص و حمایت از تولیدکنندگان به منظور تشویق تولید برخی کالاهای مورد نظر اشاره کرد. کلیه یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم و کمک‌های بلاعوض به بخش خصوصی که جزو هزینه‌های دولت به حساب می‌آیند یارانه آشکار محسوب می‌شوند. همچنین به کمک‌های مالی رایگان که دولت به دستگاه تابعه خود و یا جهت کمک به بخش عمومی پرداخت می‌کند نیز یارانه آشکار گفته می‌شود. اگرچه پرداخت یارانه‌ها به روش‌های مختلفی قابل اجرا می‌باشد اما نکته اصلی در اینجا است که روش انتخاب شده باید بیشترین سازگاری را با اهداف مورد نظر داشته باشد.

در ارتباط با مقوله توزیع درآمد نیز باید گفت که در فرآیند چرخه کلان تولید- مصرف از اقتصاد جامعه و پس از پایان مرحله تولید و فروش محصول، توزیع درآمد عبارت است از چگونگی تقسیم محصول ناخالص ملی یا منطقه‌ای بین عوامل تولیدی که به نحوی در این فرآیند نقش داشته‌اند. به بیانی دیگر، توزیع درآمد در اقتصاد یک جامعه، چگونگی تقسیم درآمد ملی بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی در نتیجه عملکرد سیستم اقتصادی را تفسیر می‌نماید. آنچه مسلم است عوامل مختلفی از قبیل وجود بازارهای غیر رقابتی، ارث و ثروت، موقعیت‌های

خانوادگی و اجتماعی، استعدادهای ذاتی و امکانات تحصیلی، سبب می‌شوند که توانایی کسب درآمد در یک گروه از جامعه تغییر کرده و موجبات توزیع نابرابر درآمد در جامعه را فراهم آورد. برای جلوگیری از نشت اثرات مخرب توزیع نابرابر امکانات و توانایی‌ها، دو راه حل ممکن وجود دارد. در ابتدا فراهم‌آوری و گسترش امکانات برای کسب درآمدهای اولیه توسط عوامل تولید بالقوه موجود در جامعه و سپس توزیع مجدد درآمد از طریق کسب درآمدهای مالیاتی از اقشار پر مصرف و دارای درآمدهای بالا و پرداخت سهمی از آنها به صورت یارانه به اقشار آسیب‌پذیر جامعه در راستای کسب حداقل معاش برای ادامه زندگی و استمرار امر تولید.

با توجه به موارد ذکر شده و اهمیت موضوع، هدف از انجام این مطالعه بررسی و پاسخگویی به این مسئله اساسی است که آیا بین اتخاذ سیاست‌های پرداخت یارانه کالاهای اساسی و چگونگی توزیع درآمد افراد جامعه در استان همدان طی سال‌های مورد مطالعه رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

۱. مبانی نظری

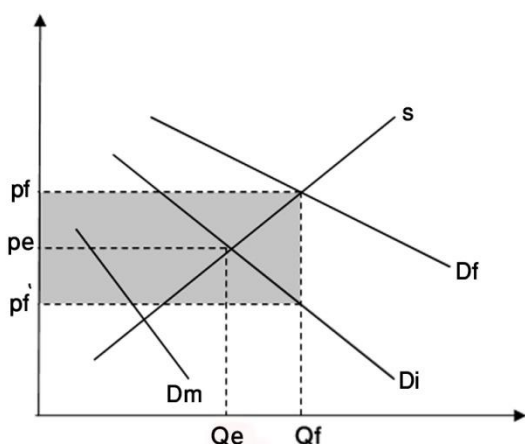
با نگاهی به روند تاریخی نقش دولت‌ها در اقتصاد جوامع می‌توان دریافت که در ابتدا، طی سه ربع آغازین قرن بیستم به دنبال مشاهده مصادیق شکست بازار و همچنین ناتوانی اقتصاد سرمایه‌داری در تامین رفاه اجتماعی، الگوی توسعه مبتنی بر تصدی‌گری دولت به‌عنوان خط‌مشی اصلی اکثر اقتصادهای جهان حاکم گردید. سپس به دنبال آشکار شدن مصادیق شکست دولت در ربع پایانی قرن گذشته، رویکرد نئولیبرالیسمی توانسته زمینه مناسبی را برای توسعه سیاست‌های بازار محور از طریق اجرای سیاست تعدیل ساختاری فراهم نماید. البته اجرای این بسته سیاستی که عمدتاً توسط نهادهای بین‌المللی و با هدف حرکت به سمت رهاسازی اقتصاد توصیه می‌گردید، در بسیاری از این کشورها با تجربه یکسان و موفقیتی همراه نبوده است. رویکرد توسعه دولت محور در کنار توسعه بازار محور رویکرد جدیدی است که در اواسط دهه ۹۰ مطرح گردید و ضمن انتقاد از دیدگاه‌های پیشین، جایگاه دولت و بازار را نه تنها در مقابل

یکدیگر مشاهده نکرد بلکه روابط متقابل آنها را ضروری دانست. به بیانی دیگر، رویکرد جدید برای دولت و بازار دو نقش مکمل هم قائل است و دولت را نهادی اجتماعی معرفی می‌کند که قادر است با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند در جامعه، محیطی مناسب برای تنظیم روابط اقتصادی کارگزاران فعال در عرصه تولید و مصرف جامعه فراهم آورده و موجبات رشد اقتصادی را مهیا سازد. از وظایف اصلی دولت در رویکرد جدید می‌توان به مواردی نظیر تخصیص بهینه منابع، توزیع مجدد درآمد و تثبیت شاخص‌های مهم اقتصادی (رشد، تورم، اشتغال) اشاره نمود. به طوری که دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های مالی در سطح کلان اقتصادی از طریق وضع مالیات بر درآمد، دارایی و مصرف و همچنین پرداخت یارانه، به طور مستقیم به دو هدف تخصیص بهینه منابع و توزیع مجدد درآمد و به طور غیر مستقیم به هدف سوم دست پیدا کند.

در ادبیات اقتصادی یارانه عبارت است از یک پرداخت مستقیم یا غیر مستقیم دولتی، یک امتیاز اقتصادی و یا اعطای ربحان ویژه که به موسسات خصوصی، خانوارها و یا دیگر واحدهای تولیدی در جهت ارتقای وضعیت افراد و دستیابی به اهداف رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی داده می‌شود. بر اساس این تعریف، یارانه مستلزم انتقال مقداری از درآمد بین دولت و گروه‌های مختلف بخش خصوصی است. به طوری که دولت‌ها تلاش می‌کنند به منظور تحقق اهداف بهینه تخصیص منابع، آنها را به بخش‌های مورد نظر به صورت هدفمند هدایت نمایند.

آنچه مسلم است در یک نظام اقتصادی ممکن است بنا به دلایلی از جمله وجود انحصارات، عدم کارایی نظام تولیدی، بروز بحران‌های سیاسی و جنگ موجب شود که سیستم عرضه و تقاضا قدرت ایجاد تعادل در قیمت‌ها را از دست داده و بازار با کمبود شدید عرضه و رشد قیمت‌ها مواجه گردد و یا ممکن است عرضه تولیدات با استقبال مصرف‌کنندگان مواجه نشود. در این موارد دولت به عنوان عاملی خارج از بازار، دخالت نموده و در امر قیمت‌گذاری، تشویق تولید، کنترل مصرف، نظارت و دخالت در توزیع، وظایفی نظیر پرداخت‌های یارانه‌ای را مطرح می‌کند که به آنها سیاست‌های تثبیت قیمت با هدف حمایت از اقشار

مصرف‌کننده و تولیدکننده گویند. اتخاذ سیاست‌های حمایت از نوع پرداخت یارانه توسط دولت در مورد تولید آن سری از کالاهایی که با فایده خارجی زیادی همراه بوده و تولید در سطحی پایین‌تر از سطح بهینه شکل می‌گیرد نیز کاربرد دارد. با نگاهی به نمودار (۱) مشاهده می‌گردد، چنانچه تولید یک کالای معین برای جامعه دارای پیامدهای خارجی مثبت و مورد توجه دولت باشد، منحنی تقاضای کل جامعه (D_f) از جمع تابع تقاضای افراد (D_i) و فایده اجتماعی (D_m) حاصل از تولید آن کالا به دست خواهد آمد و افراد جامعه تمایل به خرید Q_f با قیمت p_f' دارند. از آنجایی که در چنین شرایطی مکانیزم بازار، به تنهایی، قادر به حصول نقطه بهینه تولید، با توجه به حداکثرسازی رفاه اجتماعی نیست، دولت مجبور است برای حصول به نقطه بهینه تولید (Q_f) به اندازه قسمت هاشور خورده یارانه پرداخت نماید تا انگیزه جهت تولید به مقدار Q_f ایجاد شود. بنابراین پرداخت یارانه می‌تواند مکمل مکانیزم قیمت‌های بازار باشد.



نمودار ۱- پرداخت یارانه و توزیع رفاه اجتماعی

البته از آنجایی که پرداخت یارانه می‌تواند منشأ اختلال در قیمت نسبی و لطمه زدن به تخصیص بهینه منابع تولید باشد، دخالت دولت جهت هدایت سطح اشتغال و تولید به نقاط کارآمدتر از نظر اقتصادی، صرفاً در شرایط بازار ناقص و در صورت ظرفیت‌پذیر بودن جامعه از نظر به کارگیری عوامل تولید توجیه‌پذیر است. در میان انواع یارانه‌های پرداختی، به آن نوع از پرداخت‌های انتقالی که جهت جبران بازپرداخت قسمتی از قیمت

کالا یا خدمت به منظور افزایش قدرت خرید مصرف کننده صورت می پذیرد، یارانه مصرفی گویند. معمولاً انگیزه دولت در پرداخت یارانه های مصرفی، پایین نگه داشتن قیمت کالاهای اساسی است تا با کنترل و کاهش رشد هزینه ها موجبات دسترسی طبقات کم درآمد جامعه به این کالاها فراهم آید. البته بدیهی است که اعمال هرگونه سیاست مالی من جمله پرداخت های یارانه ای توسط دولت، در ابتدا بر چگونگی توزیع درآمد و سپس بر روند رشد و توسعه اقتصادی تأثیر خواهد گذاشت. سیمون کوزنتس در یکی از مقاله های خود با عنوان رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در سال ۱۹۵۵ این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشوری، نابرابری درآمدی نخست افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی، به تدریج کاهش می یابد. این الگو، بعداً به منحنی نعل وارون کوزنتس (۱۹۵۵) [۱] معروف شد. او توسعه اقتصادی را به عنوان فرآیند گذار اقتصاد سنتی یا روستایی به اقتصاد نوین یا شهری معرفی کرده و بیان می کند که در مراحل اولیه توسعه، اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نوین زیاد می گردد. در این دیدگاه و در مراحل بعدی توسعه، توزیع درآمد رو به بهبودی گذاشته و با جذب شمار بیشتری از مردم به بخش مدرن سطح دستمزدها به بخش نوین نزدیک می شود. بعدها بررسی آماری آهلوالیا (۱۹۷۶) [۲]، بر مبنای داده های منطقه ای ۶۰ کشور (شامل ۴۱ کشور در حال توسعه، ۱۳ کشور توسعه یافته و ۶ کشور سوسیالیست) به تأثیر قوی فرضیه کوزنتس انجامید. به این ترتیب می توان به این نظریه آشکار رسید که اتخاذ سیاست های مالی دولت از نوع پرداخت یارانه های مصرفی به صورت نقدی (درآمدی) یا به صورت ارزشی از طریق ارائه کالا برگ، در صورت توزیع هدفمند آن می تواند بر چگونگی توزیع مجدد درآمدها و روند رشد و توسعه اقتصادی جامعه تأثیرگذار باشد.

در مورد اثر شاخص تورم بر روی چگونگی توزیع درآمد، افرادی نظیر بلیجر و گوئرو (۱۹۹۰) [۳] اعتقاد دارند که افزایش حجم نقدینگی و سطح تورم باعث بالا گرفتن معضلات اقتصادی و افزایش شکاف فقر و بدتر شدن توزیع درآمد در جامعه می شود. در حالیکه افرادی نظیر بلانک و بلایندر (۱۹۸۶) [۴] معتقدند که

یک تورم ملایم در سیستم اقتصادی، آثاری مثبت بر اوضاع اقتصادی از جمله کاهش سطح بیکاری و توزیع مناسب تر درآمد را بر جای می گذارد.

۲. ادبیات تجربی

مطالعات زیادی در خصوص چگونگی توزیع درآمد در اقتصاد جوامع و اهمیت آن در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. آدلمن (۱۹۹۲) [۵] در مطالعه خود بر روی منتخبی از کشورها به این نتیجه رسید که توزیع درآمد بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در گروه کشورهای غیر کمونیست در حال توسعه، به میزان زیادی نابرابرتر شده اما تمرکز درآمد در گروه های مختلف این کشورها روندی متفاوت داشته است. این در حالی است که تمرکز درآمدها (نابرابری توزیع درآمد) در کشورهای کم درآمد و صادرکننده نفت بسیار افزایش یافته و برعکس در کشورهای با درآمد متوسط غیر نفتی به مقدار زیادی کاهش پیدا کرده است. وایل (۱۹۹۴) [۶] در مقاله ای تحت عنوان "توزیع یارانه ها از طریق ارائه خدمات بهداشتی" و با بکارگیری تحلیل های آماری به بررسی مقایسه ای چگونگی استفاده از پرداخت یارانه در بخش خدمات بهداشتی جهت تأثیرگذاری بر توزیع درآمد در اندونزی و در سال ۱۹۸۷ پرداخت. او نتیجه می گیرد که پرداخت یارانه به بخش بهداشت بر توزیع درآمد میان اقشار پایین درآمدی به خصوص در مناطق روستا نشین اندونزی تأثیر معنی داری داشته است. از دیدگاه نویسنده مقاله، هر گونه تلاش در جهت فقرزدایی و توزیع مناسب تر درآمد در اندونزی می بایست با تأکید هر چه بیشتر بر پرداخت یارانه به بخش بهداشت عمومی مردم باشد. کاپیگیلیو (۱۹۹۴) [۷] در مطالعه ای با عنوان "توزیع درآمد، مخارج عمومی و برابری" به بررسی نقش فزاینده مخارج عمومی در کشورهای صنعتی و همچنین تأثیر پرداخت های انتقالی پولی و غیر پولی بر توزیع درآمد در ایتالیا پرداخت. وی در تحقیق خود عنوان می کند که الگوهای تعادل عمومی بایستی مطابق با حضور ساختاری بخش عمومی تغییر نموده و همزمان با آن درک بهتری از تأثیر توزیع مجدد درآمد مربوط به قوانین غیر بازار بوجود آید. بنابر این توصیه می کند که به طور کلی به علوم اقتصادی باید به عنوان

یک ساز و کار تخصیص منابع نگاه کرد. همچنین سارل (۱۹۹۷) [۸] در مقاله‌ای تحت عنوان "اثر متغیرهای کلان بر توزیع درآمد ۵۲ کشور منتخب"، به بررسی چگونگی تاثیرپذیری توزیع درآمد از متغیرهای کلان اقتصادی در منتخبی از کشورها پرداخت، در حالیکه هفت کشور از ۵۲ کشور مذکور دارای نظام‌های سوسیالیستی بودند. وی پس از انجام تخمین به مطالعه ضریب جینی و بررسی وجود یک تابع u شکل معکوس (منحنی کوزنتس) که نابرابری درآمدی را به سطوح درآمدی پیوند می‌دهد پرداخت. در این مطالعه، عوامل موثر بر ضریب جینی، سطح درآمد، زمان و تجربه کشور سوسیالیست و غیر سوسیالیست به همراه چند متغیر مجازی در نظر گرفته شدند.

$$GiNi = \alpha_0 + \alpha_1 d_1 + \alpha_2 d_2 + \alpha_3 d_3 + \alpha_4 d_4 + \alpha_5 d_5 + \alpha_6 y + \alpha_7 \frac{1}{y} + \alpha_8 soc + \alpha_9 year$$

که در آن $GiNi$ ضریب جینی، d_i متغیرهای مجازی، y درآمد، Soc نماد سوسیالیست بودن کشور برابر با عدد واحد و در غیر اینصورت برابر با صفر و $year$ نیز متغیر زمان هستند. نتایج حاصل از بررسی، وجود منحنی u شکل معکوس (منحنی کوزنتس) را تأیید نمود.

از جمله مطالعات داخلی می‌توان به مطالعه حقیقت (۱۳۷۲) با عنوان "بررسی نابرابری توزیع درآمد در استان کهگیلویه و بویراحمد"، اشاره نمود که در آن شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد در استان کهگیلویه و بویراحمد با شاخص نابرابری کل کشور مورد مقایسه قرار گرفت. شاخص‌های مورد استفاده شامل منحنی لورنز، ضریب جینی، شاخص تایل، دهک‌ها، سهم ۴۰ درصد پایین، سهم ۴۰ درصد متوسط و سهم ۲۰ درصد بالا از گروه‌های درآمدی به تفکیک مناطق شهری و روستایی بودند. این مطالعه نشان داد که میزان نابرابری توزیع درآمد در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال‌های ۶۶، ۶۷ و ۶۸ نسبت به سال ۵۶ کاهش یافته است. همچنین پژوهان (۱۳۷۵) در یک طرح تحقیقاتی با عنوان "سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر" چگونگی توزیع درآمد را در دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۶۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. شاخص‌های توزیع درآمد مورد استفاده

در این مطالعه، ضریب جینی، سهم ۴۰ درصد پایین، سهم ۴۰ درصد متوسط، سهم ۲۰ درصد بالای طبقات درآمدی، دهک‌ها، حداکثر شکاف درآمدی و نسبت مصرف شهر به روستا هستند. در این طرح تحقیق پس از تخمین منحنی انگل برای نان، پروتئین و انرژی، و محاسبه کشش‌های درآمدی آن‌ها، پیشنهاداتی برای حذف یا محدود کردن یارانه‌ها ارائه گردید. ابونوری (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان "اثر متغیرهای مهم اقتصاد بر توزیع درآمد"، با استفاده از اطلاعات و آمار سالهای ۷۰-۱۳۵۰ عوامل موثر بر توزیع درآمد (هزینه)، شامل بهره‌وری کار، تورم، نسبت اشتغال، پرداخت‌های انتقالی به هر خانوار و هزینه دولتی را مورد بررسی قرار داد. نتایج مطالعه نشان داد که افزایش نسبت اشتغال و بهره‌وری نیروی کار موجب کاهش سطح نابرابری توزیع درآمد ولی افزایش هزینه‌های دولت و مالیات‌ها باعث افزایش سطح نابرابری می‌شود. او نتیجه‌گیری می‌کند که این امر نشان دهنده عملکرد غلط سیاست‌های مالی دولت برای توزیع درآمد بوده و نظام مالیاتی بجای کاهش نابرابری اقتصادی در جهت افزایش آن عمل نموده است.

طراز کار و زیبایی (۱۳۸۳) در مطالعه خود تحت عنوان "بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری - مطالعه موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان" به بررسی ضرایب توزیع درآمد یعنی ضریب جینی، شاخص آتکینسون و شاخص تایل برای سه استان منتخب به تفکیک شهری-روستایی و براساس اطلاعات خام طرح هزینه و درآمد خانوار سال ۱۳۷۹ پرداختند. در این مطالعه با مقایسه ضرایب توزیع درآمد محاسبه شده، وجود توزیع ناعادلانه درآمد در نقاط روستایی هر سه استان نسبت به نقاط شهری مورد تأیید قرار گرفت. همچنین نتایج حاصل از این مطالعه حکایت از تفاوت معنی‌دار بین سطوح رفاه اجتماعی، فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری استان‌های مختلف دارد. همچنین دادگر و غفاری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی اثر مالیات حقوق بر توزیع درآمد در ایران"، نقش توزیعی مالیات بر حقوق و دستمزد را بر روند توزیع درآمد، شاخص‌های ضریب جینی و سهم درآمد

دهک‌ها مورد مطالعه قرار دادند. برای این منظور، ابتدا با استفاده از آمار هزینه خانوارها، ضرایب جینی و سهم دهک‌ها از درآمد محاسبه شده و سپس تغییرات در شاخص‌های نابرابری فوق در اثر اعمال مالیات مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج گرفته شده بیانگر این واقعیت است که با وجود ضعف‌ها و نواقص موجود در سیستم مالیات استانی کشور، توزیع درآمد پس از وضع مالیات بر درآمد و پرداخت‌های انتقالی، نسبت به وضعیت قبل از مالیات و پرداخت یارانه به کالاهای اساسی بهتر شده است. او همچنین نتیجه می‌گیرد که اعمال نرخ مناسب مالیاتی و همچنین پرداخت یارانه به کالاهای اساسی، از اثرات توزیعی مثبت بین دهک‌های درآمدی جامعه برخوردار هستند.

۳. روش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و بهره‌گیری از مباحث هم‌جمعی برای تخمین مدل اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل داده‌های سری زمانی مربوط به استان همدان استفاده می‌شود. منبع جمع‌آوری داده‌های اطلاعاتی، نتایج تفصیلی بودجه خانوارها به تفکیک مناطق شهری و روستایی و آمارهای هزینه-درآمد مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، سازمان امور مالیاتی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در استان همدان برای سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۹ می‌باشد. با توجه به مطالعات تجربی انجام شده قبلی در زمینه توزیع درآمد، ساختار کلی مدل برای بررسی اثر متغیرهای موثر بر توزیع درآمد استان به صورت رابطه (۱) در نظر گرفته شد.

$$G = f(GDPP, SUBP, TAXP, L, p) \quad (1)$$

که در آن:

G: ضریب جینی (شاخص نابرابری) در مناطق شهری استان.
GDPP: تولید ناخالص داخلی سرانه استان به قیمت ثابت ۷۶ (ریال).
SUBP: یارانه سرانه استان به قیمت ثابت ۷۶ در مناطق شهری (ریال).
TAXP: مالیات مستقیم سرانه به قیمت ثابت ۷۶ (ریال).

L: تعداد شاغلین در مناطق شهری استان (نفر).

P: نرخ تورم در مناطق شهری استان.

همچنین برای آزمون اثر متغیرهای مستقل بر شاخص نابرابری

در مدل، از فرم تبعی لگاریتمی به شرح رابطه (۲) استفاده شد.

$$\ln(G) = a_0 + a_1 \ln(GDPP) + a_2 \ln(SUBP) + a_3 \ln(TAXP) + a_4 \ln(L) + a_5 \ln(P) + e_i \quad (2)$$

لازم به اشاره است که در بررسی چگونگی توزیع درآمد، از

متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمد یعنی شاخص ضریب جینی استفاده شد. ضریب جینی یک واحد اندازه‌گیری پراکندگی آماری است و با نسبتی تعریف می‌شود که ارزشی بین صفر (برابری مطلق توزیع درآمد) و یک (نابرابری مطلق توزیع درآمد) دارد. با داشتن اطلاعاتی نظیر تعداد گروه‌های درآمدی (n)، مقدار هزینه هر گروه (Y_i) و همچنین وزن هر یک از گروه‌های هزینه‌ای (W_i)، شاخص ضریب جینی (G) از رابطه (۳) قابل محاسبه است:

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n^2 \bar{Y}} \left(\sum W_i Y_i \right) \quad (3)$$

۴. نتایج و یافته‌ها

جهت مشخص شدن وضعیت شرایط واقعی خانوارهای استان و چگونگی توزیع درآمد در بین آنها، ابتدا روند تغییرات سهم کالاهای خوراکی در بودجه خانوار و همچنین سهم کالاهای اساسی مشمول یارانه در هزینه‌های خوراکی سالانه خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفت و سپس گروه‌های هزینه‌ای خانوارهای مناطق شهری و روستایی استان با استفاده از روند تغییرات ضریب جینی مقایسه شدند. براساس گزارش‌های تفصیلی مرکز آمار ایران درباره بودجه خانوارها، انواع کالاهای موجود در سبد کالای خانوارهای ایرانی به دو مجموعه "خوراکی و دختانی" و "غیر خوراکی" به شرح ذیل تقسیم می‌شوند:

مجموعه گروه‌های خوراکی و دختانی در ۹ گروه: ۱- آرد، رشته، غلات و فرآورده‌های آن، ۲- گوشت، ۳- شیر و فرآورده‌های آن و تخم‌پرندگان، ۴- روغن‌ها و چربی‌ها، ۵- میوه‌ها و سبزی‌ها، ۶- خشکبار و حبوبات، ۷- قند و شکر، شیرینی‌ها، چای، قهوه و کاکائو، ۸- ادویه‌ها، چاشنی‌ها و سایر ترکیبات خوراکی، ۹- نوشابه‌ها، غذاهای آماده و دخانیات و مجموعه گروه‌های غیر

خوراکی در هفت گروه: ۱- پوشاک و کفش، ۲- مسکن، ۳- لوازم، اثاثیه، ملزومات و خدمات خانوار، ۴- بهداشت و درمان، ۵- حمل‌ونقل و ارتباطات، ۶- تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی و ۷- کالاها و خدمات متفرقه خانوار.

در ادبیات اقتصادی مربوط به تحلیل ساختار بودجه خانوارها و بر اساس نظریه ارنست انگل [۹] آلمانی آمده است که با افزایش درآمد، سهم مخارج خوراکی خانوار نسبت به کل مخارج خانوار کاهش می‌یابد (ضریب انگل). البته وجود رابطه منفی میان سطح درآمد و هزینه‌های خوراکی خانوار، به معنای کاهش واقعی مصرف کالاهای خوراکی نیست، بلکه نشان‌دهنده آن است که با افزایش درآمد، سرعت افزایش مصرف کالاهای خوراکی آهسته‌تر شده و مازاد بودجه صرف کالاهای غیر خوراکی می‌شود. به این ترتیب کاهش نسبت هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌های خانوار مبین افزایش رفاه متوسط خانوارها می‌باشد. نتایج حاصل از آمار توصیفی داده‌ها نیز نشان دادند که:

- سهم هزینه کالاهای خوراکی در سبد مصرف خانوارهای شهری استان طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ روند افزایشی و از سال ۱۳۶۷ به بعد (به جز سال ۱۳۷۵ که دارای بیشترین ضریب انگل است) روند کاهشی داشته است، و به طور کلی می‌توان گفت که طی دوره مورد مطالعه، سهم هزینه خوراکی خانوارهای شهری با کاهش دو درصدی (از ۲۹ درصد به ۲۷ درصد) مواجه بوده است (جدول ۱).

جدول ۱- هزینه‌های خوراکی و ضریب انگل خانوارها در استان (ارقام: ریال)

سال	هزینه‌های خوراکی خانوار شهری	هزینه‌های خوراکی خانوار روستایی	ضریب انگل خانوارهای شهری	ضریب انگل خانوارهای روستایی
۱۳۵۹	۱۳۵۸۸۵/۶	۱۱۶۲۳۰/۵	۰/۳۹۵	۰/۵۴۴
۱۳۶۰	۱۸۷۶۸۵/۲	۹۵۵۵۶/۸	۰/۳۲۶	۰/۵۰۶
۱۳۶۱	۱۷۹۴۸۴/۸	۹۹۶۵۲/۱	۰/۳۵۵	۰/۵۰۴
۱۳۶۲	۲۱۰۹۸۳/۲	۱۸۹۲۵۷/۶	۰/۳۸۵	۰/۴۹۸

سال	هزینه‌های خوراکی خانوار شهری	هزینه‌های خوراکی خانوار روستایی	ضریب انگل خانوارهای شهری	ضریب انگل خانوارهای روستایی
۱۳۶۳	۲۷۶۴۳۹/۱	۲۳۴۹۲۲/۳	۰/۴۴۳	۰/۵۲۱
۱۳۶۴	۳۴۱۸۹۵	۲۸۰۵۸۷	۰/۴۸۹	۰/۵۳۸
۱۳۶۵	۴۱۶۲۰۹/۴	۳۰۶۰۲۳	۰/۴۶۲	۰/۵۱۳
۱۳۶۶	۴۶۶۶۳۳/۵	۳۳۱۴۵۹/۱	۰/۴۵۲	۰/۴۹۴
۱۳۶۷	۴۴۰۷۳۷/۶	۳۲۵۵۶۳/۳	۰/۴۷۲	۰/۵۵۷
۱۳۶۸	۵۴۶۶۶۶	۴۲۶۵۰۵	۰/۴۱۶	۰/۵۶۰
۱۳۶۹	۵۹۶۷۹۶	۵۰۴۰۴۵	۰/۳۷۴	۰/۵۵۵
۱۳۷۰	۶۱۱۳۲۵	۵۵۳۱۵۷	۰/۳۹۸	۰/۵۲۳
۱۳۷۱	۶۲۷۲۸۷	۶۹۶۲۱۲	۰/۴۰۷	۰/۵۳۲
۱۳۷۲	۶۴۳۲۴۹	۶۳۵۶۳۱	۰/۴۱۷	۰/۵۰۶
۱۳۷۳	۷۲۳۹۶۹	۶۴۶۸۶۱	۰/۳۴۵	۰/۴۸۸
۱۳۷۴	۸۷۱۵۲۸	۸۱۸۹۷۱	۰/۳۴۶	۰/۴۸۱
۱۳۷۵	۲۱۹۹۷۱۳	۹۹۱۰۸۱	۰/۶۳۲	۰/۴۷۶
۱۳۷۶	۱۵۶۴۷۳۰	۱۲۸۳۳۱۷	۰/۳۶۸	۰/۵۰۲
۱۳۷۷	۲۰۸۹۳۳۶	۲۰۰۴۶۹۲	۰/۳۷۳	۰/۵۳۱
۱۳۷۸	۲۳۳۵۲۵۶	۲۲۶۸۸۲۲	۰/۳۲۶	۰/۴۴۶
۱۳۷۹	۳۲۳۱۰۹۳	۳۱۲۶۰۳۹	۰/۳۱۳	۰/۵۲۷
۱۳۸۰	۴۴۵۳۷۳۲	۴۴۲۵۴۶۹	۰/۳۵۸	۰/۵۱۶
۱۳۸۱	۵۱۰۶۲۶۷	۴۹۴۱۶۶۲	۰/۳۵۲	۰/۵۱۷
۱۳۸۲	۵۰۴۶۷۹۹	۵۶۵۱۳۶۲	۰/۳۰۹	۰/۴۴۷
۱۳۸۳	۶۶۰۶۹۱۴	۷۰۴۶۰۷۷	۰/۳۲۹	۰/۴۴۱
۱۳۸۴	۸۰۷۷۳۲۷	۹۰۱۶۹۷۰	۰/۲۸۵	۰/۴۲۵
۱۳۸۵	۱۰۶۱۹۲۷۲	۱۲۹۲۷۸۰۸	۰/۲۸۲	۰/۴۴۲
۱۳۸۶	۱۱۱۴۹۱۰۱	۱۳۷۵۲۹۵۹	۰/۲۷۲	۰/۴۵۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

- سهم هزینه کالاهای خوراکی در سبد مصرف خانوارهای روستایی استان طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۹ با روند افزایشی و کاهشی نزدیک به ۵۰ درصد مواجه بود، یعنی نیمی از کل هزینه خانوار روستایی طی دوره مورد بررسی را هزینه خوراکی و دخانی تشکیل داده است، در حالیکه از سال ۱۳۷۹ به بعد، روند کاهشی را در این زمینه شاهد بودیم و به طور کلی می‌توان گفت که طی دوره مورد

سال	نسبت ۲۰ درصد بالای ۲۰ درصد پایین مناطق شهری	نسبت ۲۰ درصد بالای ۲۰ درصد پایین مناطق روستایی	ضریب جینی شهری	ضریب جینی روستایی
۱۳۶۶	۲۵/۲۱	۱۹/۳۴	۰/۵۰۵	۰/۴۸۳
۱۳۶۷	۵/۹۹	۱۷/۸۲	۰/۳۴۸	۰/۵۹۱
۱۳۶۸	۲۲/۲۸	۱۸/۸۵	۰/۵۱۴	۰/۵۵۳
۱۳۶۹	۱۰/۳۰	۳۷/۷۹	۰/۴۷۸	۰/۵۰۶
۱۳۷۰	۱۰/۵۴	۳۲/۲۳	۰/۴۳۲	۰/۵۱۹
۱۳۷۱	۱۲/۲۲	۲۱/۴۶	۰/۴۰۶	۰/۴۹۸
۱۳۷۲	۱۳/۸۱	۱۰/۶۳	۰/۳۹۰	۰/۳۷۴
۱۳۷۳	۱۲/۶۰	۱۰/۱۰	۰/۴۵۰	۰/۳۶۶
۱۳۷۴	۱۴/۱۳	۲۱/۴۸	۰/۳۸۳	۰/۵۱۶
۱۳۷۵	۱۲/۹۴	۳۰/۵۰	۰/۴۳۰	۰/۵۷۸
۱۳۷۶	۱۳/۸۸	۱۴/۷۵	۰/۴۵۰	۰/۴۵۵
۱۳۷۷	۱۵/۱۷	۳۴/۹۹	۰/۴۷۶	۰/۴۴۳
۱۳۷۸	۹/۱۴	۲۵/۳	۰/۴۱۲	۰/۵۲۰
۱۳۷۹	۹/۸۹	۸/۰۱	۰/۴۴۶	۰/۳۸۴
۱۳۸۰	۱۱/۱۳	۹/۵۵	۰/۴۲۵	۰/۴۰۲
۱۳۸۱	۱۹/۴۷	۱۱/۱۴	۰/۵۵۵	۰/۴۲۹
۱۳۸۲	۱۱/۲۷	۱۰/۹۲	۰/۴۳۹	۰/۳۷۵
۱۳۸۳	۱۲/۲۶	۱۰/۷۰	۰/۴۳۶	۰/۴۵۶
۱۳۸۴	۱۱/۵۰	۱۱/۲۱	۰/۴۳۳	۰/۴۲۱
۱۳۸۵	۹/۹۵	۱۱/۲۸	۰/۴۲۹	۰/۴۳۰
۱۳۸۶	۱۰/۱۸	۱۲/۳۲	۰/۴۴۳	۰/۴۵۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطالعه، سهم هزینه خوراکی و دخانی نسبت به هزینه کل یک خانوار روستایی از ۵۴ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته است (جدول ۱).

- برای مقایسه دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری استان طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۶، از شاخص نابرابری نسبت هزینه شده توسط ۲۰ درصد ثروتمندترین افراد جامعه (دهک نهم و دهم) به هزینه شده توسط ۲۰ درصد فقیرترین افراد جامعه (دهک اول و دوم) استفاده شد. البته باید گفت که مقایسه شاخص یاد شده و تغییرات آنها طی سال‌های مختلف به طور حتم نشان‌دهنده بهتر یا بدتر شدن وضع توزیع درآمد در جامعه شهری استان نیست، ولی با بررسی ارقام یاد شده تا حدودی می‌توان به ویژگی‌های توزیع درآمد در جامعه دست یافت. نتایج نشان داد که اندازه شاخص طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۵۹ از روند منظمی پیروی نکرده و بیشترین مقدار آن در دهه اول دوره رخ داده است. لازم به ذکر است که نوسانات شاخص طی برنامه سوم توسعه کمتر از دوره‌های دیگر بوده و در واقع ثبات نسبی اقتصادی کشور و استان را طی دوره یاد شده نشان می‌دهد (جدول ۲).

جدول ۲ - نسبت هزینه ۲۰ درصد خانوارهای بالا درآمدی به ۲۰ درصد پایین درآمدی و ضریب جینی مناطق شهری و روستایی استان (۱۳۵۹-۱۳۸۶)

سال	نسبت ۲۰ درصد بالای ۲۰ درصد پایین مناطق شهری	نسبت ۲۰ درصد بالای ۲۰ درصد پایین مناطق روستایی	ضریب جینی شهری	ضریب جینی روستایی
۱۳۵۹	۴۹/۷۹	۷۲/۸۳	۰/۶۳۱	۰/۷۱۱
۱۳۶۰	۴۵/۷۱	۳۱/۵۷	۰/۶۲۸	۰/۵۳۷
۱۳۶۱	۴۲/۲۹	۲۹/۵۸	۰/۶۲۵	۰/۵۶۷
۱۳۶۲	۳۸/۲۱	۵۱/۲	۰/۶۰۴	۰/۶۴۷
۱۳۶۳	۲۶/۶۷	۳۲/۵۸	۰/۴۹۶	۰/۵۴۹
۱۳۶۴	۴۳/۱۴	۲۰/۳۳	۰/۴۴۴	۰/۴۸۳
۱۳۶۵	۲۳/۲۱	۱۹/۸۲	۰/۵۰۰	۰/۴۸۴

- برای مقایسه دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای روستایی استان طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۶، نیز از شاخص نابرابری نسبت هزینه شده توسط ۲۰ درصد ثروتمندترین افراد جامعه (دهک نهم و دهم) به هزینه شده توسط ۲۰ درصد فقیرترین افراد جامعه (دهک اول و دوم) استفاده شد. نتایج نشان داد که طی دهه اول بعد از انقلاب و برنامه‌های اول و دوم توسعه، این شاخص روند نامنظمی داشته که بیشترین مقدار آن مربوط به سال‌های ۵۹ و ۶۲ و کمترین مقدار آن نیز مربوط به سال ۷۹ می‌باشد (جدول ۲).

- نتایج حاصل از بررسی ضریب جینی در مناطق شهری نشان داد که این ضریب هرچند در طول این مدت از

جدول ۴- نتایج آزمون ADF با تفاضل مرتبه اول

متغیر	مقدار بحرانی	آماره ADF	عرض از مبدا	روند	پایایی
L(GDPP)	-۳/۶۲	-۴/۵۷	دارد	دارد	پایا
L(SUBP)	-۳/۵	-۵/۷	ندارد	ندارد	پایا
L(L)	-۳/۵۹	-۴/۸۳	دارد	ندارد	پایا

مأخذ: یافته‌های پژوهش

- نتایج آزمون انگل-گرنجر بر پایایی پسماندها، وجود هم‌انباشتگی را تایید و نشان می‌دهد که پسماند مربوط به رگرسیون مدل پایا می‌باشد (جدول ۵). بنابراین می‌توان از سطح متغیرهای مذکور در روش هم‌انباشتگی برای برآورد استفاده نمود. این روش از شیوه‌ای سود می‌جوید که در آن اثر متغیرهای مستقل را بر سطح متغیر وابسته در بلندمدت نشان می‌دهد.

جدول ۵- آزمون انگل-گرنجر (پایایی پسماند ها)

مقدار بحرانی	آماره ADF	عرض از مبدا	روند	پایایی
-۳/۶	-۳/۹	ندارد	ندارد	دارد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

- با توجه به تخمین مدل به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و نتایج آزمون گلجسر، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود واریانس ناهمسانی رد نمی‌شود. از این رو می‌توان استدلال کرد که معادله تخمین زده شده دارای مشکل ناهمسانی واریانس نیست. همچنین با توجه به نتایج آزمون بریوش-گادفری، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی نیز رد نمی‌شود و بنابراین بیانگر عدم وجود خود همبستگی در پسماندهای معادله تخمین زده شده است.

$$L(G) = -0.962 + 0.17L(GDPP) - 0.11L(SUBP) + 0.11L(TAXP) - 0.17L(L) + 0.13L(P)$$

$$t: \quad -3/64 \quad 3/39 \quad -2/24 \quad 1/32 \quad -2/79 \quad 4/56$$

$$R^2 = 0.174 \quad \bar{R}^2 = 0.169 \quad F = 13 \quad D.W = 2.27$$

نوساناتی برخوردار بوده ولی در کل نشان دهنده کاهش آن در طی این سه دهه می‌باشد، به طوری که مقدار ضریب از ۰/۶۳ در سال ۱۳۵۹ به رقم ۰/۴۴ در سال ۱۳۸۶ رسید. طی سال‌های برنامه اول، ضریب جینی در مناطق شهری از نوسان برخوردار بوده و در سال ۱۳۷۳ به ۰/۴۴۹ رسید. طی سال‌های برنامه دوم توسعه هم این ضریب دارای نوسانات زیادی بوده و در سال آخر برنامه به ۰/۵۵۴ افزایش یافت. از شروع برنامه سوم تا آخر برنامه این ضریب تقریباً در حدود ۰/۴ بدون تغییر باقی ماند (جدول ۲). همچنین نتایج حاصل از بررسی ضریب جینی در مناطق روستایی نیز نشان دهنده کاهش نابرابری طی دوره مورد مطالعه است. به طوری که مقدار ضریب از ۰/۷۱۱ در سال ۵۹ به ۰/۴۵ در سال ۱۳۸۶ رسید. از نکات قابل توجه در مورد وضعیت توزیع درآمد نقاط روستایی کاهش قابل ملاحظه ضریب جینی به مقدار ۰/۳۶۵ در سال ۱۳۷۳ بود.

- جهت تخمین مدل اندازه‌گیری در ابتدا با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)، پایایی متغیرها مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون مشخص نمود که سه متغیر Ln(GDP)، Ln(SUB) و Ln(L) با یک بار تفاضل‌گیری به همراه سایر متغیرها پایا هستند (جدول ۳ و ۴).

جدول ۳- نتایج آزمون ADF در سطح داده‌ها

نتیجه آزمون	روند	عرض از مبدا	آماره ADF	مقدار بحرانی	متغیر
پایا	ندارد	دارد	-۳/۶۹	-۲/۵۸	L(G)
ناپایا	دارد	دارد	-۲/۵۷	-۳/۶	L(GDPP)
ناپایا	دارد	دارد	-۲/۳۷	-۲/۵۹	L(SUBP)
پایا	ندارد	دارد	-۳/۹۳	-۲/۵۹	L(TAXP)
ناپایا	ندارد	ندارد	-۱/۲۷	-۳/۵۸	L(L)
پایا	ندارد	دارد	-۳/۶۶	-۳/۵۸	L(p)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

- همان طوری که از تخمین مدل برمی آید، نرخ اشتغال با ضریب جینی رابطه منفی داشته و نشانگر این واقعیت است که افزایش نرخ اشتغال در استان باعث کاهش نابرابری توزیع درآمد شده است. این نتیجه گیری با نتایج مطالعه ابونوری (۱۳۸۶) نیز سازگاری دارد. همچنین مشخص گردید که بین میزان سرانه پرداختی بابت یارانه کالاهای اساسی و ضریب جینی رابطه منفی وجود دارد، به این معنا که با افزایش یارانه سرانه طی دوره مورد مطالعه توزیع درآمد بهتر شده است. از طرف دیگر مشخص گردید که بین نرخ تورم و ضریب جینی رابطه مثبت وجود دارد. این نتیجه گیری نیز با نتایج به دست آمده از مطالعات مختلفی که در مورد بررسی اثرات تورم بر توزیع درآمد انجام شده است مطابقت دارد. از جمله مطالعه نیلی (۱۳۷۷) تحت عنوان رشد اقتصادی و توزیع درآمد که در آن تورم را عاملی در جهت بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد به شمار می آورد. نتایج همچنین نشان دادند که طی دوره مورد مطالعه بین تولید ناخالص داخلی سرانه و ضریب جینی رابطه مثبت وجود دارد یعنی طی دوره مورد مطالعه افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه باعث بهتر شدن توزیع درآمد در سطح استان نشده است.

نتیجه گیری و ملاحظات

در یک نظام اقتصادی، دولت با اتخاذ سیاست‌های مناسب مالی و استفاده از اهرم دریافت مالیات بر دارایی، درآمد و مصرف و همچنین پرداخت یارانه به عوامل تولید و کالاهای اساسی می تواند در جهت اهداف کمی و کیفی رشد و توسعه اقتصادی گام بردارد. البته با شناسایی صحیح گروه‌های هدف، شدت تأثیرپذیری این گونه اقدامات نیز بیشتر می گردد. با انجام مطالعه حاضر بر روی اثر کارآمدی یارانه کالاهای اساسی بر توزیع درآمد در استان همدان نکات قابل توجهی بدست آمد که می تواند به صورت کاربردی در راستای رشد و توسعه استان مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج تحقیق نشان داد که به طور کلی سهم هزینه‌های خوراکی خانوارهای شهری و روستایی طی دوره مورد مطالعه کاهش داشته است. اگر چه در نگاه اول می توان این تغییر ساختار در مصرف خانوارها را مثبت ارزیابی کرد و چنین تصور نمود که این امر بیانگر افزایش رفاه خانوارها طی دوره می باشد ولی با توجه به حرکت صعودی قیمت‌ها و افزایش نرخ تورم، این برداشت ممکن است اندکی شتاب زده باشد. در واقع لازم است که با واقعی تر کردن هزینه‌های خوراکی و مقایسه آن با هزینه خوراکی به قیمت جاری، موضوع را واقع بینانه تر بررسی نماییم. برای مثال مشاهدات نشان دادند که علیرغم اینکه در مناطق روستایی هزینه‌های خوراکی به قیمت‌های جاری در طول دوره مورد مطالعه رشد زیادی داشته است اما هزینه واقعی کالاهای خوراکی و دخانی روستایی استان همدان، نشان از یک و نیم برابر شدن مصرف کالاهای خوراکی روستاییان دارد. به عبارت دقیق تر بر اساس نظریه انگل می توان گفت که سطح رفاه خانوارهای روستایی استان طی دوره مورد مطالعه کاهش یافته است.

نتایج حاصل از بررسی ضریب جینی در استان همدان نشان داد که این ضریب برای مناطق شهری و روستایی، هرچند از نوساناتی برخوردار بوده ولی در کل نشان دهنده کاهش آن طی دوره مورد مطالعه می باشد. از عوامل موثر بر بهبود وضعیت توزیع درآمد در استان طی دوره بررسی باید به مواردی همچون تلاش در جهت افزایش نرخ اشتغال مؤلّد، پرداخت یارانه به گروه‌های هدف و تا حدی اصلاح نظام مالیاتی اشاره نمود. در انتها باید گفت که به موازات انتخاب استراتژی‌های گوناگون مربوط به افزایش رشد کمی و کیفی تولید ناخالص داخلی، توجه بیشتر به عوامل چند گانه موثر بر توزیع درآمد نیز امری ضروری به نظر می رسد.

توصیه سیاستی و پیشنهادها

توجه بیشتر به مقوله توزیع درآمد در حین انتخاب راهبردهای مربوط به افزایش رشد تولید ناخالص داخلی، امری ضروری به نظر می رسد. از آنجایی که فضای مناسب تولید و کسب و کار بر توزیع درآمد اثر مثبت بر جای می گذارد، بنابراین لازم است

شرایط و لوازم پیوستن اقشار پایین درآمدی به جریان اشتغال و تولید فراهم شود، در غیر این صورت، شدت نابرابری مجال ورود به جریان تولید را از این اقشار می‌گیرد.

لازم است که دولت با شناسایی خانوارهای نیازمند، پرداخت یارانه و توزیع کالاهای اساسی را هدفمندتر ساخته و از این اهرم استفاده راهبردی نماید. بدیهی است که هزینه‌های اجرایی صرف شده جهت شناسایی اقشار هدف می‌تواند از طریق صرفه‌جویی‌های ناشی از اصلاح هزینه‌های یارانه‌ای جبران شود. البته هرگونه اقدام در جهت حذف یارانه قبل از شناسایی کامل خانوارهای هدف، اثر بخشی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد.

همچنین دولت می‌تواند با تصحیح و کارآمدتر ساختن نظام مالیاتی کشور از طریق حذف معافیت‌های مالیاتی بدون توجه، تنوع بخشی به منابع مالیات‌های مستقیم بر دارایی و درآمد و همچنین مالیات‌های غیر مستقیم بر مصرف توجیه پذیر، جهت توزیع مناسب‌تر درآمد در جامعه اقدام نماید. با توجه به تاثیرگذاری منفی نرخ تورم و کاهش قدرت خرید اقشار کم درآمد بر توزیع درآمد، لازم است که سیاست‌های مناسب پولی و مالی در جهت کنترل تورم اتخاذ گردد.

پی‌نوشت

1. Kuzentes, S.1955. pp. 7-18.
2. Ahlwalia, M.S.1976.
3. Blejer and Guerrero.
4. Blank and Blinder.
5. Adelman, I., and Fuwa, N. 1992.
6. Walle, V. D. 1994.
7. Capigilio, I.1994.
8. Sarel, M.1997.
9. Engel.

منابع

ابونوری، اسماعیل و رضا عباسی قادری، برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۳۰، صص ۲۳-۵۳، ۱۳۸۶.

ابونوری، اسماعیل، اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران، مجله شماره ۵۱ تحقیقات اقتصادی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، صص ۱-۳۲، ۱۳۷۸.

اسلامی، سیف‌الله، اثرسیاست‌های حمایتی دولت بر نابرابری، همایش چالش‌ها و چشم اندازه‌های توسعه ایران. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صص ۲۵۲-۲۶۹، ۱۳۸۱.

برادران شرکاء، حمیدرضا، کلید توسعه: حکمرانی خوب یعنی چه؟، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۹۴۹، صص ۲۲، ۱۳۸۸.

پژویان، جمشید، فقر، خط فقر و کاهش فقر، تهران، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقر زدائی، جلد اول صص ۲۳-۵، ۱۳۷۵.

پژویان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی، صص ۳۵، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۶.

تبریزی، ن. بررسی تاثیر حذف یارانه برخی کالاهای اساسی بر دهک‌های درآمدی به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی صص ۵-۷، ۱۳۸۰.

حقیقت، علی، بررسی نابرابری توزیع درآمد در استان کهگیلویه و بویراحمد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲.

دادگر، یدالله و غفاری، علی اکبر، بررسی اثر مالیات حقوق بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۸ (۳): ۷۳-۹۷، ۱۳۸۷.

دانایی فر، غلام رضا، ارزیابی رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران ۷۵-۱۳۴۷، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع) صص ۱۳-۱۵، ۱۳۷۹.

زورار، پرمه، بررسی یارانه‌های آشکار و برآورد یارانه‌های پنهان در اقتصاد ایران، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۶، صص ۳۲-۴۲، ۱۳۸۳.

صمدی، سعید، کاهش فقر، کارآیی و برابری در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

طرازکار، محمدحسن و زیبایی، منصور، بررسی معیارهای رفاه اجتماعی و توزیع درآمد و فقر در جوامع روستایی و شهری (مطالعه موردی استان‌های فارس و اصفهان و سمنان)،

اقتصادکشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸،
ص ۱۳۷-۱۶۰، ۱۳۸۳.

عادل زاده، رسول، بررسی تاثیر برخی از متغیرهای عمده سیاست
اجتماعی بر توزیع درآمد در ایران ۱۳۷۳-۱۳۵۰، پایان نامه
کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران صص ۶-۲۸، ۱۳۷۵.
مرکز آمار ایران ۱۳۸۳-۱۳۵۶، نتایج تفصیلی آمارگیری از درآمد